

پیش شرط ها و پیش نیازهای فرهنگی برای تحقق و دستیابی ملت ما به اقتصاد مقاومتی

مادامی که خاستگاه «فرهنگ اقتصاد» بر پایه‌ی مفاهیمی همچون «سودمحوری»، «سرمایه‌سالاری» و «تکثرگرایی» باشد و کارشناسان و مدیران اقتصاد به این دسته از معادلات وفادار باشند، اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی مورد نظر نظام اسلامی تحقق پیدا نخواهد کرد. به عبارت دیگر، هرگاه مفاهیم، تعاریف، سیاست‌ها، قوانین، ساختارها، ضوابط و مدیریت اقتصادی حول محور «اقتصاد سرمایه‌داری» تعریف شود، نمی‌توان از تولید ثروت بر پایه‌ی جهاد و مقاومت و اخلاص و ایثار سخن گفت. پس می‌توان نتیجه گرفت که کیفیت و نوع فرهنگ حاکم بر اقتصاد می‌تواند پذیرای مفهوم ارزشی جهاد و مقاومت باشد یا نباشد.

اعلام جهاد اقتصادی از جانب رهبر معظم انقلاب در سرآغاز سال 1390 بیانگر این واقعیت است که با پیروی از الگوهای متداول اقتصادی دنیا نمی‌توانیم به اقتصادی صیانت‌زا، عدالت‌آفرین و مقتدر برسیم. از پیش‌نیازهای فرهنگی برای دستیابی به اقتصاد مقاومتی، یکی این است که استراتژی اقتصادی را حول محور استراتژی «جنگ فرهنگی» باز تعریف کنیم. در این صورت عرصه‌ی اقتصادی هماهنگ با عرصه‌ی فرهنگ عمل خواهد کرد.

این پیش‌نیازهای فرهنگی چگونه محقق میشوند؟

تحقق پیش‌نیازهای فرهنگی را باید در سه سطح **بنیادی، تخصصی و عمومی** دنبال کرد؛ در سطح **بنیادی** که نیاز به **استخراج فقه نظام اقتصادی و نظام‌سازی** مبتنی بر آن توسط فقها و کارشناسان فقه ما دارد، در سطح تخصصی که نیاز به بازنگری در مفاهیم، تعاریف، سیاست‌ها، قوانین و ضوابط اقتصادی موجود کشور و نظریه پردازی و الگوبردازی بر اساس مفاهیم و تعاریف جدید و هماهنگ با نگاه ارزش محور دارد، و بالأخره در سطح عمومی که نیازمند آموزش و ظرفیت‌سازی و فرهنگ‌سازی در سطح کارشناسان و کلوگزاران نظام اسلامی و مردم است.

رابطه و نسبت بین «فرهنگ اقتصاد» و «اقتصاد فرهنگ»

باید بگوییم که یکی از محورهای مهم در عرصه‌ی اقتصاد اسلامی، اقتصاد فرهنگ است که شامل همه‌ی منابع انسانی، مالی، تجهیزات، سخت‌افزار، فضا و امکانات می‌شود. اقتصاد بخش فرهنگ نقش مؤثری در پیشرفت فرهنگ اسلامی در سطوح مختلف جامعه دارد. اگر اقتصاد فرهنگ مبتنی بر فرهنگ اقتصادی منبعث از اسلام نباشد، نه تنها موجب پیشرفت جامعه‌ی اسلامی نخواهد شد، بلکه به عنوان یک اهرم بازدارنده و مخرب هم عمل خواهد کرد و مانع پیشرفت فرهنگ اسلامی در تمامی ابعاد خواهد بود. پس اگر فرهنگ اسلامی را پایه و اساس شکل‌گیری تمامی پدیده‌ها و از جمله نظام اقتصادی بدانیم، آن‌گاه در خواهیم یافت که اقتصاد فرهنگ تابعی از فرهنگ اقتصاد است که امروزه از آن به عنوان مکتب اقتصادی یاد می‌کنند.

پس **اقتصاد مقاومتی** یکی از ارکان «**مکتب اقتصاد اسلامی**» به حساب می آید که دیگر ارکان آن شامل «**عدالت اقتصادی**»، «**تدبیر معیشت**» و «**عقلانیت اقتصادی**»، الگوی تولید، توزیع و مصرف اقتصادی است. ارکان مذکور را اصطلاحاً «**فرهنگ اقتصاد**» می نامند. حالا اگر اقتصاد خالی از این ارکان باشد، دیگر نمی توان آن را اقتصاد اسلامی نامید. پس اسلامیت اقتصاد متقوم به وجود معنویت، عدالت و عقلانیت برخاسته از فرهنگ اسلامی در همه ی عرصه های تولید، توزیع و مصرف ثروت است. فرهنگی مبتنی بر معنویت و عدالت و عقلانیت دینی، فرهنگی مقاوم و سالم و مقتدر هم خواهد بود. آن گاه حضور و جریان این فرهنگ در دیگر ابعاد جامعه و از جمله حضور فرهنگ در نظام سیاسی، حضور فرهنگ در نظام فرهنگی و حضور فرهنگ در نظام اقتصادی موجب سلامت نظامات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خواهد شد.

در پایان از گزارش فوق می توان این نتیجه را گرفت که : در مرحله ی **نخست** و به وسیله ی فرهنگ دینی باید تمامی نظامات جامعه را **مهندسی** کرد. در مرحله ی **دوم** وقتی که این نظامات شکل گرفت، یعنی هرگاه نظام اقتصادی بر پایه ی فرهنگ دینی تعریف و مهندسی شد، آن گاه **اقتصاد سیاست** و **اقتصاد فرهنگ** و اقتصاد در **حوزه ی اقتصاد** نیز پاک و تعالی بخش و مقاوم و بالنده خواهد بود و می تواند در خدمت اهداف بلند و تعالی بخش و انسان ساز اسلام باشد.

اقتصاد مقاومتی یا ریاضت اقتصادی

سال 91 سال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی نامیده شده است آن هم زمانی که حداقل 4 سال است که دیگر خبری از امنیت سرمایه و سرمایه گذاری در جهان نیست، و دقیقاً در این شرایط انتخاب چنین شع اری برای سرلوحه قرار گرفتن در رأس امور سیاست گذاری، صنعتی و اقتصادی و مالی، نعره بسیاری از کسانی که به توانستن ایرانی باور ندارند، درآورده است. اغلب آن ها با این دلیل که غرب غوطه ور در ثروت با آن تکنولوژی عظیم و خیره کننده صنعتی و اقتصاد سرشار از همه ی شاخص های مثبت، امروز در سراسری سقو ط و ورطه ی نابودی قرار گرفته، نفس ایده ی تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی را زیر سوال می برند و برخی نیز با رندی آنرا تغییر چهره ای از **اقتصاد ریاضتی** یا **ریاضت اقتصادی** می دانند.

ریاضت اقتصادی به طریقی گفته می شود که دولت ها برای کاهش هزینه ها و رفع کسری بودجه، به کاهش و یا حذف ارائه برخی خدمات و مزایای عمومی (مانند خدمات بهداشتی درمانی و تامین اجتماعی و ...) دست می زنند. این طرح که به منظور مقابله با کسری بودجه توسط برخی دولت ها انجام می شود گاهی اوقات به افزایش میزان مالیات، کاهش دستمزدها، افزایش دریافت وام ها و کمک های مالی خارجی می انجامد. (کمک هایی که معمولاً نمی توان انتظار داشت بدون چشم داشت انجام شود...!) مثل آنچه در یونان و یا اسپانیا روی داد. بجای آنکه دولت و سازمانهای وابسته به آن از هزینه های

جاری خود کم کنند این مردم هستند که بار بی مسئولیتی و اشتباهات مسئولین کشورشان را بر دوش می کشند . حتی به قیمت از دست رفتن زندگی شان.

نکته ی جالب **ریاضت اقتصادی** که بیشتر به لطفه ای تاریخی شباهت دارد، انجام شدن آن در دولت هایی است که خود را مهد لیبرالیسم و اقتصاد لیبرال می دانند حال آنکه **ریاضت اقتصادی** فی رفسه یک راه حل اجتماعی (و در واقع سوسیالیستی! است).

اما اقتصاد مقاومتی که می توان طراح آن را امام خامنه ای دانست دارای شاخص های متفاوتی است .

اقتصاد مقاومتی یعنی تمرکز بر حوزه هایی که دشمن روی آن ها دست گذاشته و یا شاید خواهد گذاشت در شرایطی مانند امروز با تحریم هایی بی سابقه و در کنار آن تلاش برای استفاده از حداکثر توان جهت تبدیل آن نقاط ضعف به نقاط قوت جهت استفاده از مزایای تولید سرمایه ی آن. مثالی که در این اواخر برای همه ی ما قابل لمس بوده، ماجرای بنزین و وابستگی شدید ما به خارج به دلیل مصرف بی رویه ی آن و وارد 60 درصدی از میزان مصرفمان که دشمنان کشور را به طمع استفاده از حربه ی تحریمش انداخته بود اما با درایت و برنامه ریزی صحیح امروز در عین کاهش حداقل 15 میلیون لیتری در مصرف روزانه، شاهد تولید مازاد بر مصرف داخلی بنزین در کشور هستیم . **نکته مهم اقتصاد مقاومتی ایجاد**

باور همگانی و تلاش برای تحقق بخشیدن به فاکتورهای آن است .

مولفه های اقتصاد مقاومتی	مولفه های ریاضت اقتصادی	
عدم کاهش درآمدها بلکه افزایش درآمدها : «هدفمند کردن یارانه ها هم در جهت شکل دادن به اقتصاد ملی است؛ که این ها میتواند هم رونق ایجاد کند - در تولید، در اشتغال - و هم موجب رفاه شود»	کاهش مستقیم حقوق ها	1
عدم افزایش مالیات؛ بلکه کاهش مالیات برای برخی از بنگاه های تولیدی	کاهش غیر مستقیم حقوق ها از راه افزایش مالیات	2
عدم کاهش خدمات عمومی ، بلکه افزایش خدمات عمومی مانند طرح پزشک خانواده و ...	کاهش و حذف برخی از خدمات عمومی	3
«مسئله مدیریت مصرف ، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر. هم دستگاه های دولتی، هم دستگاه های غیر دولتی، هم آحاد مردم و خانواده ها باید به این مسئله توجه کنند؛ که این واقعاً جهاد است. انسان میتواند ادعا کند که این اجر جهاد فی سبیل الله را دارد.»	کم مصرف کردن به دلیل فقر ونداری وازسرناچاری	4

<p>«از تولید داخلی استفاده کنیم؛ این را همه دستگاه‌های دولتی توجه داشته باشند - دستگاه‌های حاکمیتی، مربوط به قوای سه گانه - سعی کنند هیچ تولید غیر ایرانی را مصرف نکنند؛ ... خود مردم راه مصرف کالاهای خارجی را بنهند.»</p>	<p>روی آوردن مردم به کالاهای خارجی به ویژه چینی به دلیل قیمت پایین آن</p>	<p>5</p>
<p>عدم حذف فرصت های شغلی بلکه افزایش آن : «دلیل دوم ما که امروز کار برامان مهم است، کارآفرینی مهم است، این است که ما امروز در مقابل یک فشار جهانی قرار داریم. دشمنی وجود دارد در دنیا که میخواهد با فشار اقتصادی و با تحریم و با این کار هائی که شماها میدانید، سلطه ی اهریمنی خودش را برگرداند به این کشور... ما باید یک اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور به وجود بیاوریم. امروز کارآفرینی معنایش این است.»</p>	<p>حذف فرصتهای شغلی</p>	<p>6</p>
<p>افزایش امنیت اقتصادی، تولید ، جذب سرمایه گذاری حتی رشد سرمایه گذاری خارجی</p>	<p>افزایش ناامنی اقتصادی، کاهش تولید و سرمایه گذاری و فرار سرمایه ها</p>	<p>7</p>
<p>«استفاده حداکثری از زمان و منابع و امکانات . از زمان باید حداکثر استفاده بشود. طرحهائی که سالهای متمادی طول میکشید، امروز خوشبختانه با فاصله ی کمتری انسان می بیند که فلان کارخانه در ظرف دو سال، در ظرف هجده ماه به بهره برداری رسید. ...تصمیمهای خلق الساعه [1] و تغییر مقررات، جزو ضربه هائی است که به اقتصاد مقاومتی وارد میشود و به مقاومت ملت ضربه میزند.»</p>	<p>کاهش بودجه های عمرانی و سرمایه گذاری و در نتیجه طولانی شدن مدت زمان مورد نیاز برای بهره برداری و برگشت سرمایه های هزینه شده در طرح ها و ناگزیری دولت در تصمیم های مقطعی و خلق الساعه</p>	<p>8</p>
<p>عدم دولتی سازی بلکه خصوصی سازی اقتصاد : «اقتصاد مقاومتی الزاماتی دارد. مردمی کردن اقتصاد، جزو الزامات اقتصاد مقاومتی است . این سیاستهای اصل ۴۴؛ که اعلام شد، میتواند یک تحول به وجود بیاورد؛ و این کار باید انجام بگیرد»</p>	<p>حرکت دولتی سازی شرکت های ورشکسته از طریق خرید سهام افراد مانند حرکت عجیبی که در جریان بحران اقتصادی آمریکا رخ داد.</p>	<p>9</p>
<p>«اقتصاد مقاومتی تحریم بنزین را خنثی کرد هدفمند کردن یارانه هم در جهت شکل دادن به اقتصاد ملی است؛ که اینها میتواند هم رونق ایجاد کند - در تولید، در اشتغال - و هم موجب رفاه شود؛ اینها مایه رشد تولید کشور، رشد اقتصادی کشور، مایه اقتدار یک کشور است . با رشد تولید، یک کشور در دنیا اقتدار حقیقی و آبروی بین المللی پیدا می کند.»</p>	<p>افزایش ناامنی اجتماعی و جنبش های اعتراضی</p>	<p>10</p>
<p>«کاهش وابستگی به نفت یکی دیگر از الزامات اقتصاد مقاومتی است . این</p>	<p>وابستگی به استقراض و وامهای ربوی از</p>	<p>11</p>

وابستگی، میراث شوم صد ساله ماست.»	بانکهای خارجی	
«یک واقعیت دیگر هم این است که اگر کشور در مقابل فشارهای دشمن - از جمله در مقابل همین تحریمها و از این چیزها - مقاومت مدبرانه نکند، نه فقط این حربه کُند خواهد شد، بلکه در آینده هم امکان تکرار چنین چیزهایی دیگر وجود نخواهد داشت»	بی ثباتی سیاسی و مخدوش شدن استقلال و اقتدار کشور	12
«به نظر ما طرحهای «اقتصاد مقاومتی» جواب میدهد. همین مسئله سهمیه بندی بنزین که اشاره کردند، جواب داد. اگر بنزین سهمیه بندی نمیشد، امروز مصرف بنزین ما از صد میلیون لیتر در روز بالاتر میرفت. ... اقتصاد مقاومتی تحریم بنزین را خنثی کرد.»	علائمی که تاکنون از اجرای طرح اقتصاد ریاضتی در یونان گزارش می شود، موفقیت چندانی را نشان نمی دهد.	13

تفاوت اقتصاد مقاومتی و ریاضت اقتصادی

برخی از مردم **اقتصاد مقاومتی** و **ریاضت اقتصادی** را یکی می دانند و یا تصور می کنند اقتصاد ریاضتی یکی از شاخه های اقتصاد مقاومتی است در حالی که این دو اصطلاح کاملا متفاوت بوده و هیچ ارتباطی به یکدیگر ندارند برای روشن شدن موضوع به شرح مفهوم ریاضت اقتصادی می پردازیم

تعریف ریاضت اقتصادی

ریاضت اقتصادی به طرحی گفته می شود که دولت ها برای کاهش هزینه ها و رفع کسری بودجه، به کاهش و یا حذف ارائه برخی خدمات و مزایای عمومی دست می زنند. این طرح که به منظور مقابله با کسری بودجه توسط برخی دولت ها انجام می شود گاهی اوقات به افزایش میزان مالیات و افزایش دریافت وام ها و کمک های مالی خارجی می انجامد. اینکه بر اقتصاد و شرایط بحران زده اش ریاضت و سختی تحمیل شود، در ظاهر اصلا کار خوشایندی به نظر نمی رسد، اما می تواند به بازیابی درازمدت اقتصاد کمک کند. بنابراین اگرچه اقتصاد ایران شاید ناچار شود در دراز مدت به سیاست های ریاضتی روی بیاورد، اما **اقتصاد مقاومتی** و **ریاضت اقتصادی** دو مفهوم جداگانه و مستقل است که به هیچ عنوان منجر به بروز یکدیگر نخواهند شد.

تعریف ریاضت اقتصادی

ریاضت اقتصادی به طرحی گفته می شود که دولت ها برای کاهش هزینه ها و رفع کسری بودجه، به کاهش و یا حذف ارائه برخی خدمات و مزایای عمومی، صرفه جویی در مخارج جاری کشور، کاهش هزینه های رفاهی و تعدیل کارمندا در بخش دولتی دست می زنند که یونان و ایتالیا به بخصوص یونان در حال حاضر با آن دست و پنجه نرم میکند. این طرح که

به منظور مقابله با کسری بودجه توسط برخی دولت‌ها انجام می‌شودگاهی اوقات به افزایش میزان مالیات و افزایش دریافت وام‌ها و کمک‌های مالی خارجی می‌انجامد.

اینکه بر اقتصاد و شرایط بحران زده اش ریاضت و سختی تحمیل شود، در ظاهر اصلاً کار خوشایندی به نظر نمی‌رسد، اما، می‌تواند به بازیابی دراز مدت اقتصاد کمک کند. هدف از اجرای طرح‌های **ریاضت اقتصادی** بازگرداندن اعتماد از دست رفته، بهبود وضعیت مالی کشورها و توانمند کردن کشورها برای بازیابی طولانی مدت است.

ویژگی های اقتصاد ریاضتی

1. شرایط رویش طرح **ریاضت اقتصادی**: در شرایط کسری بودجه، بحران اقتصادی و شیب تند سقوط شاخص‌های اقتصادی.

2. هدف طرح **ریاضت اقتصادی**: کاهش هزینه‌های خود و جبران کسری بودجه.

3. **ریاضت چه عایدی برای اقتصاد دارد؟**

از جمله نتایجی که اجرای طرح‌های ریاضتی بر اقتصاد دارد، می‌توان موارد زیر را نام برد:

کاهش تقاضا، کاهش تورم، رقابت و مقابله با کسری بودجه

اثر **ریاضت اقتصادی** خود را به صورت انعطاف‌پذیری بازارکار، هزینه‌هایی که کاهش می‌یابد، سیاست‌های پولی، نرخ ارز، رشد جهانی و مداخله بانک مرکزی خود را نشان می‌دهد

یکی از روش‌های رس‌پن به **اقتصاد مقاوتی** از راه صرفه‌جویی است نه ریاضت؛ در حال حاضر ما شاهد آن هستیم که برخی مدعیان به اشتباه ریاضت را به جای مقاومت و صرفه‌جویی در دستور کار خود قرار داده که میتوان به عدم آگاهی آنان از این دو مفهوم اشاره کرد. بنابراین اگرچه اقتصاد ایران شاید ناچارشود در دراز مدت به سیاست‌های ریاضتی روی بیاورد، اما **اقتصاد مقاوتی** و **ریاضت اقتصادی** دو مفهوم جداگانه و مستقل است که به هیچ عنوان منجر به بروز یکدیگر نخواهند شد.

در **اقتصاد مقاوتی** محدودیتی در منابع وجود ندارد اما استفاده بهینه از منابع موجود باید طی یک برنامه زمان‌بندی شده صورت گیرد و این در حالی است که در **ریاضت اقتصادی** ما با محدودیت در منابع و سرمایه‌ها روبه‌رو هستیم و به ناچار باید با سهمیه‌بندی و کم‌مصرف کردن با محدودیت‌های موجود مقابله کنیم. در **اقتصاد مقاوتی** قوای سه‌گانه باید با تعامل بیش از گذشته در یک مجموعه‌ای که وظیفه هدایت کار **اقتصاد مقاوتی** را بر عهده دارد، تصمیمات لازم در این ارتباط را اتخاذ کرده و برای اجرا به دستگاه‌های ذیربط ابلاغ کنند. هر یک از قوا باید با مرور وظایف خود نسبت به رفع چالش‌ها و موانع در اقتصاد مقاوتی اقدام کرده و هر یک از آنها تعامل با قوای دیگر را در برنامه کاری خود قرار دهند.

ریاضت اقتصادی هم به معنای آن است که بارسختی مشکلات اقتصادی بر روی دوش مردم قرار بگیرد نه طراحان برنامه های اقتصادی و دستگاه اجرایی. اما **اقتصاد مقاومتی** آن است که بار سختی ها بر دوش طراحان، برنامه ریزان و مجریان طرح اقتصادی است و مسلماً تفاوت فاحشی بین این دو طرح است.

تفاوت اقتصاد مقاومتی با مقاومت اقتصادی

تعریف **اقتصاد مقاومتی** عبارتست از: سیاستگذاری و اجرای برنامه های اقتصادی معطوف به پایداری در همه سطوح با فرض فشار همه جانبه نظام سلطه . کشور تا کنون علیرغم برخوردار نبودن از **اقتصاد مقاومتی** از استراتژی **مقاومت اقتصادی** برخوردار بوده است و به صورت مقطعی و در برخی از سطوح تصمیم گیری و اجرا، اصل مقاومت را رعایت کرده است (اتکای برخی صنایع مهم ایران به برخی محصولات خارجی که امکان تولید داخلی آن وجود دارد باعث شده که با موج جدید تحریم ها برخی صنایع در تامین نیازهای خود با مشکل مواجه شوند و این یعنی این‌که از ابتدا در برنامه ریزی ها فکر چنین شرایطی نشده بود و حالا به صورت مقطعی به حل مشکل پرداخته می شود).

با مراجعه به اصول **انقلاب اسلامی**، ایستادگی در برابر ظلم و قدرتهای استکباری را بسیار درخشان می یابیم به طوری که از ابتدای شکل گیری **انقلاب اسلامی**، مقابله نظام سلطه با آن آغاز شده و این برخورد علاوه بر سپهر سیاست سایر حوزه های اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و غیره را نیز در بر گرفت که در این میان استراتژی مقاومت ملت و دولت ایران در ناکامی استکبار جهانی نقشی اساسی را ایفا کرده است.

جمهوری اسلامی ایران در طول حیات طیبه 33 ساله خود، با **چهار گروه** از تحریم های اقتصادی مواجه شده بود (تحریم های **«جیمی کارتر»** در **ابتدای** پیروزی انقلاب اسلامی مبنی بر دستور توقیف بالغ بر **12میلیارد دلار** از دارایی های منقول و غیرمنقول ایران در ایالات متحده آمریکا و همچنین نقود ایرانی در بانک های این کشور و سرباز زدن دولت آمریکا از تحویل برخی تجهیزات نظامی خریداری شده پیش از پیروزی انقلاب همانند **هواپیماهای اف 16، ناو و قطعات یدکی نظامی**).

دومین گروه از تحریم ها پس از تجاوز نظامی رژیم بعث عراق به خاک ایران، با **همراهی بیش از 30 کشور در کنار آمریکا** بدلیل هراس از گسترش نفوذ جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی و انقلابی در رژیم های دست نشانده منطقه و لرزه های مداوم آن برپایه های نظام های غربی بود که سبب شد تا سازمان ملل متحد نیز به عنوان ابزار تحقق منافع و خواسته های نامشروع قدرت ها درآید.

گروه **سوم** تحریم ها پس از پایان جنگ تحمیلی هشت ساله با هدایت **آمریکا** و **رژیم صهیونیستی** و با هدف منع سرمایه گذاری در ایران و بازسازی ویرانی های جنگ در مدت **15** سال مثل قانون **«داماتو»** و ممنوعیت هرگونه سرمایه گذاری بیش از **20** میلیون دلار در ایران.

چهارمین دسته از تحریمها و شدیدترین آنها در راستای سیاست قدیمی «**ارائه مشوق برای پیشبردن به سوی هدف و ارائه تنبیه برای رفتار بد**» یا همان استراتژی نخ نما شده «**چماق و هویج**» (Carrot and Stick Strategy) و وجهه ای قانونی دادن به آنها با دخالت دادن شورای امنیت سازمان ملل در وضعیت تحریمها علیه ملت ایران جهت هدفمندتر کردن تحریمهای یک جانبه خود).

در طول این سالها، جمهوری اسلامی ایران در حوزه اقتصادی با برگزیدن استراتژی «**مقاومت اقتصادی**» کوشید تا در سایه خودکفایی در تولید محصولات استراتژیک و دستیابی به فن آوری های نوین، دور زدن هوشمندانه برخی از تحریم ها و گسترش مناسبات سیاسی و اقتصادی خود با کشورهای همسایه و مسلمان، به بی اثر ساختن تروریسم مالی غرب بپردازد که با موفقیت های خوبی نیز روبه رو شد.

اما با تغییر استراتژی غرب در وضع تحریم ها و به زعم مقامات غربی «**هدفمند کردن تحریم ها**»، باید اذعان کرد که جنگ اقتصادی از طریق وضع تحریم های اقتصادی، به محور اصلی برخورد غرب با جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. نظام سلطه تاکنون در اجرای تحریم ها برای جلوگیری و کندسازی روند توسعه کشور که یکی از لوازم اساسی آن، تامین مالی و قسمت دیگرش تکنولوژی است، سعی کرده که در این دو محور برای نظام مانع تراشی کند و آن را با مشکلات عدیده رو به رو سازد. تجربه سی و دو ساله تحریم ها موید این نکته است که در هر زمان و مقطع که به شکل صحیحی، سیاستگذاری شده و منابع به صورت بهینه به اقتصاد کشور تزریق شده است، توانسته ایم اثرات تحریم ها را خنثی کنیم.

از اینرو می توان نخستین تفاوت اصلی استراتژی «**اقتصاد مقاومتی**» با «**مقاومت اقتصادی**» که تاکنون مورد استفاده بوده و هست، تدوین شاخصه ه، ابعاد و لایه های فراوان و مختلفی است که تاکنون به صورت مقطعی و در برخی از سطوح تصمیم گیری اجرا می شد و هم اینک باید به صورت جامع و دائمی به دنبال رفع آثار سوء آفند دشمن در حوزه اقتصادی باشد.

همچنین «**اقتصاد مقاومتی**» علاوه بر آنکه همانند «**مقاومت اقتصادی**»، راههای آسیب رسان به اقتصاد را مسدود میکند، با تهاجمی کردن اقتصاد به جای تدافعی بودن آن و تنظیم نقشهای جامع و علمی در مدیریت منابع مالی و انسانی و مهمتر از همه، بهبود شاخص فضای کسب و کار که رهبری بر آن تاکید ویژه ای دارند، شرایط رقابت پذیری اقتصاد ایران در عرصه های جهانی و در برابر شوک های اقتصادی را فراهم می آورد.

از سوی دیگر، در شرایطی که وضعیت اقتصادی کشورها با مولفه هایی نظیر رشد اقتصادی، ضریب جینی، نرخ تورم، بیکاری و بهره وری ارزیابی می شود، در مدل «**اقتصاد مقاومتی**»، شاخصه ها و ضرایب جدیدی همانند ضریب خودکفایی در تولید ملی، ضریب استفاده از فن آوریهای نوین و نرخ هایی چون کار مضاعف و همت مضاعف باید تعریف و مورد ارزیابی قرار گیرد.

رهبر معظم انقلاب با درایت و اشراف کامل به این موضوع، پس از آنکه در سالهای گذشته، شاخص های تعیین کننده اقتصادی را در اسناد بالادستی نظام از جمله برنامه های توسعه ای، سند چشم انداز و سیاست های اصل 44 مشخص فرمودند، در این مقطع خواستار گذر از مرحله «مقاومت اقتصادی» و ایجاد یک «اقتصاد مقاومتی» در کشور و تبدیل آن به خط مشی اساسی کشور شدند. به اعتقاد رهبر معظم انقلاب با توجه به تحولات جدید در عرصه بین المللی، ضرورت دارد تا با استقرار یک «اقتصاد مقاومتی» و مدیریت صحیح منابع مالی و انسانی کشور، تهدیدهای جهانی علیه جمه وری اسلامی به فرصت های اقتصادی تبدیل شود.